

## برنامه اصلاح نظام بانکی

ارائه نتایج طرح چارچوب کلی برنامه اصلاح نظام بانکی با سخنرانی سرکار خانم امینه محمودزاده و آقای دکتر سیدعلی مدنی‌زاده و با حضور تعدادی از کارشناسان و صاحب‌نظران نظام بانکی کشور برگزار شد.

در آغاز نشست، خانم محمودزاده با اشاره به اهمیت سال‌های باقیمانده دهه ۹۰ برای بازگشت به روند قبلی تولید ناخالص داخلی، یکی از عوامل موثر بر رشد اقتصادی را توسعه مالی معرفی کرد و از نقش اساسی نظام بانکی در تامین رشد پایدار سخن گفت. وی عمق مالی در ایران را به سه دوره: ۱- بانکداری دولتی (تا اواخر دهه ۷۰)، ۲- توسعه کمی نامتوازن و ۳- افول مالی تقسیم کرد و گفت: «به نظر می‌رسد از انتهای دهه ۷۰ تا انتهای دهه ۸۰ یک توسعه مالی نامتوازن با ویژگی‌های زیر در ایران اتفاق افتاده است: ۱- توسعه مالی در این سال‌ها کمی بود و لزوماً منجر به بهبود تخصیص مالی نشد. ۲- تنها بنگاه‌های بزرگ صنعتی از آن منتفع شدند و سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از آن زیاد نبود. ۳- توسعه مالی با ایجاد نهادهای مکمل مالی همراه نبود و در همه بازارهای مالی به یک اندازه محقق نشد. ۴- این توسعه با افزایش ظرفیت نظارتی بانک مرکزی همراه نبود. ۵- قوانین لازم برای ارتقای زیرساخت‌ها فراهم نبود. ۶- در نهایت توسعه مالی با کاهش تعاملات بین‌المللی همراه شد.»

ایشان در خصوص تغییر دوره توسعه مالی متوازن به دوره افول مالی اظهار داشت: «نرخ تورم بالا و نرخ واقعی سود سپرده بسیار پایین از سال ۸۵ موجب کاهش نرخ رشد سپرده‌ها و به دنبال آن کاهش نرخ رشد بدهی (وام) بخش غیر دولتی شد. همزمان شدن اتفاقی موسوم به سه قفله شدن بانک مرکزی در سال ۸۷ با بحران بانکی بین‌المللی و کاهش مبادلات و سطح تولید ناخالص داخلی کشورها در رکود این سال نقش داشت.» وی افزود: «مجموع رکود و کاهش منابع، توان وام‌دهی بانک‌ها را تضعیف کرد و اثر آن بر بخش حقیقی اقتصاد، ایجاد یا تشدید رکود و در نتیجه نکول غیرارادی بود. بانک مرکزی نیز در پاسخ به کاهش میزان اعطای تسهیلات، اقدام به تزریق منابع نمود که تا حدود سال ۹۰ ادامه یافت.»

وی افزود: «در سال ۹۱ دو فرآیند قابل شناسایی است. نخست فرآیندی موسوم به ماشه که شامل رکود اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی است و فرآیند دوم که آن را فرآیند تشدید می‌نامیم موجب تشدید رکود و انقباض مالی شدید در آن سال شد. بر اساس دو فرآیند مذکور چرخه شتاب‌دهنده مالی در جهتی نامطلوب شکل گرفت.»

وی در ادامه بیان کرد: «مطالبات غیرجاری، بدهی‌های دولت و دارایی‌های نقد نشونده موجب کاهش درآمد و افت خالص جریان نقدی بانک‌ها شد. از این رو رجوع به بازار سپرده توسط بانک‌ها افزایش پیدا کرد و هر بانک برای بدست آوردن سهم خود از بازار سپرده حاضر به پرداخت نرخ سود بیشتری می‌شد. از آنجا که افزایش نرخ سود سپرده، جریان هزینه‌ای بانک‌ها را افزایش می‌دهد و منجر به افت خالص جریان نقدی می‌شود، بانک‌ها عملاً وارد یک بازی پانزی می‌شوند و روند نزولی نسبت تسهیلات به سپرده‌ها نیز موید کاهش توان اعطای تسهیلات در بانک‌ها است.»

ایشان همچنین در تشریح پیامدهای ادامه وضع موجود گفت: «افزایش جریان هزینه‌ای، سودآوری بانک‌ها را کاهش می‌دهد و به مرور باعث افت سرمایه می‌شود و ریسک‌های نقدی و اعتباری را زیاد می‌کند. بنابراین از مقاومت نظام بانکی در برابر شوک‌های اقتصادی کاسته می‌شود و این همان چیزی است که ما از آن به عنوان بحران بانکی یاد می‌کنیم.» وی افزود: «راه دیگری

که برای جبران افت خالص جریان نقد وجود دارد رجوع به بانک مرکزی است که منجر به افزایش تورم خواهد شد. پس به نظر می‌رسد که اقتصاد ایران با سه‌گانه ناممکن ثبات مالی، ثبات پولی و توسعه مالی روبه‌رو است که بدون اعمال اصلاحات بنیادین، حل همزمان سه معضل بحران بانکی، افزایش تورم و تنگنای اعتباری امکان‌پذیر نیست.»

سپس دکتر مدنی‌زاده دنباله بحث را درباره نقشه راه اصلاح نظام بانکی ادامه داد و بیان کرد: «اهداف اجرایی تدوین برنامه اصلاح نظام بانکی در وهله اول کاهش هزینه‌ها، در وهله بعد افزایش درآمدها و سپس افزایش پوشش ریسک‌های انباشت شده، است. این برنامه از پنج بسته تشکیل شده است. برای مقابله با جنگ قیمتی و بازی پانزی بسته حل معضل جریان نقد، برای رفع انجماد دارایی‌ها، سه بسته ساماندهی بدهی‌های دولت، بسته تخفیف معضل مطالبات غیرجاری و بسته افزایش سرمایه و در نهایت برای رفع توسعه نامتوازن بازارهای مالی بسته اصلاحات بنیادین طراحی شده است.»

وی در ادامه هدف از تدوین بسته حل معضل جریان نقد را کاهش نرخ سود از طریق از بین بردن جنگ قیمتی موسسات مالی عنوان کرد و اقدامات زیر را برای اجرای آن پیشنهاد داد: ۱- محدود کردن فعالیت مؤسسات مالی در بازار غیر متشکل پولی جهت کنترل فرار سپرده‌ها ۲- دسته بندی بانک‌ها و رفتار نظارتی و سیاستی متفاوت با بانک‌های خاطی یا ناسالم بر اساس برنامه با استفاده از ابزارهای تنبیهی و تشویقی ۳- کاهش نظارتی نرخ سود سپرده طبق برنامه تا مرز تورم به علاوه صرف ریسک ۴- مراقبت از بازارهای دارایی و مدیریت نوسانات قیمت سایر بازارها از قبیل بازار ارز، مسکن و بازار اوراق بدهی دولتی و شرکتی ۵- مدیریت بازار بین بانکی از طریق تأمین نقدینگی کوتاه‌مدت وثیقه‌دار و عملیات بازار باز (به کمک اوراق بدهی دولت و ...)

او همچنین الزامات بسته حل معضل جریان نقد را ۱- تغییر نحوه تعامل حاکمیت با بانک‌ها (تعیین نرخ، مصارف، مدیریت) ۲- حمایت‌های حاکمیت از بانک مرکزی در برخورد با مؤسسات مالی ناسالم ۳- انتشار اوراق بدهی دولت ۴- تحریک نکردن بازارهای دارایی توسط حاکمیت در این دوره محدود، عنوان کرد.

دکتر مدنی‌زاده بسته ساماندهی بدهی‌های دولت را اولین راه‌حل برای غلبه بر انجماد دارایی‌ها عنوان کرد و اهداف آن را ۱- ساماندهی بدهی‌های دولت ۲- اعمال سیاست پولی قاعده‌مند ۳- استفاده از اهرم بودجه ۴- تعمیق بازار بدهی ۵- افزایش انگیزه وام‌دهی و تخفیف تنگنای مالی ۶- هموارسازی هزینه‌های دولت ۷- پیش‌نیازی اصلاحات بودجه‌ای برای اصلاحات مالی، برشمرد. وی اظهار داشت: «برای اجرای برنامه بازارپذیر کردن بدهی‌ها، دولت اقدام به انتشار اوراق بهادار اسلامی به میزان بدهی‌هایش می‌کند و اوراق منتشره را به طلبکاران در مقابل پرداخت بدهی واگذار می‌کند. این امر الزاماتی دارد که عبارتند از: ۱- متعهد شدن دولت به پرداخت سود اوراق ۲- ارزشمند کردن اوراق توسط بانک مرکزی با عملیات بازار باز و وام‌دهی مبتنی بر وثیقه ۳- تغییر رفتار دولت در ایجاد هرگونه بدهی جدید صرفاً از طریق انتشار اوراق در بازار سرمایه ۴- تعیین سقف برای نسبت مانده بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی از مقدار معین ۵- تعیین سقف برای نسبت مانده اوراق بدهی دولت در ترازنامه بانک مرکزی به پایه پولی ۶- مدیریت متمرکز بدهی‌ها و اوراق بدهی دولت»